■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی‌ایران ■ مدیر مسؤول: مهدی عرفاتی

جام جم

■ شاپا: ISSN۱۷۳۵-۳۶۳۷
■ پایگاه اطلاع‌رسانی: www.jamejamonline.ir www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamOnline.ir

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹
■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰-۰۲۱ ■ دورنگار تحریریه: ۲۳۰۰۴۴۳۳
■ سازمان توزیع: ۶۱۹۳۳۱۱۵ ■ کدپستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۶۱۹۳۳۱۱۵ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰
■ شماره پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ ■ تلفن گویا: ۲۳۰۰۴۴۴۴
■ چاپ: چاپخانه روزنامه جام جم

دوشنبه ۶ دی ۱۴۰۰ | ۲۲ جمادی‌الاول ۱۴۴۳ | ۲۰ صفحه | سال بیست و دوم - شماره ۶۱۱۵ | Monday - December 27 , 2021

حدیث روز: امام سجاد(ع)

تمام خیرات و خوبی‌های دنیا و آخرت را در چشم‌پوشی و قطع طمَع از زندگی و اموال دیگران می‌بینم.

واحه: حافظ

بیا با تو بگویم غم ملالت دل
چراکه بی‌تو ندارم مجال گفت و شنید

امروز در تاریخ:

- تصویب قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی در مجلس شورای‌ملی(۱۳۵۲ش)
- قطع صادرات نفت ایران در پی اعتصابات کارکنان شرکت نفت(۱۳۵۷ش)
- ایجاد صندوق بین المللی پول در سازمان ملل‌متحد(۱۹۴۵م)

اوقات شرعی:

اذان ظهر: ۱۲/۰۵ | غروب آفتاب: ۱۶/۵۸
اذان مغرب: ۱۷/۱۸ | نیمه‌شب شرعی: ۲۳/۲۱
اذان صبح (فردا): ۵/۴۳ | طلوع خورشید(فردا): ۷/۱۳

وضعیت آب و هوای امروز

تهران	ارومیه	بیرجند	رشت	سمنان	شیراز	قشم	قم
۹ / ۲	۱ / ۸-	۱۳ / ۵-	۱۵ / ۳	۱۰ / ۰	۱۵ / ۲-	۲۵ / ۱۹	۱۱ / ۱-

حکمت ۸۷: نهج‌البلاغه

در شگفتم از کسی که می‌تواند استغفار کند و ناامید است.

نیکوکاری به سبک آرنولد

آرنولد شوارتزنگر، بازیگر سینما و فرماندار پیشین ایالت کالیفرنیا، ۲۵ خانه بسیار کوچک به بی‌خانمان‌های لس‌آنجلس هدیه داد.

به گزارش فرارو، این ستاره پیشین هالیوود ۲۵۰ هزار دلار از دارایی خود را اهدا کرد تا یک سازمان غیرانتفاعی این خانه‌های بسیار کوچک را به منظور اسکان بی‌خانمان‌ها تهیه کند. این سیاستمدار ۷۴ ساله، در توییتر خود نوشت: امروز کریسمس را زودتر جشن می‌گیرم. ۲۵ خانه‌ای که به بی‌خانمان‌ها اهدا کرده بودم، اکنون اینجا در لس‌آنجلس برپا شدند. زمان فوق‌العاده‌ای را به گفت‌وگو با این قهرمانان گذراندم و آنها را به خانه‌های خودشان خوش‌آمد گفتم.

قهرمان پیشین پرورش اندام و هنرپیشه فیلم‌های هالیوودی گفت: دست و دلبازی ماهیت اصلی کریسمس است. همه شما این توان را دارید که به دیگران در این تعطیلات کمکی کنید. لزومی ندارد کار بزرگی باشد. صرف تنها چند دقیقه از وقت خود برای کمک‌کردن به دیگران کافی است.

شهر لس‌آنجلس به‌تازگی با الگوی خانه‌های بسیار کوچک می‌کوشد تا با مشکل بی‌خانمانی مقابله کند. هر واحد این خانه‌ها شش متر مربع مساحت دارد و به سرعت می‌توان آن را برپا کرد. در هر یک از آنها دو تخت، بخاری، دستگاه تهویه هوا و میزی کوچک وجود دارد.

طبق آمار سازمان‌های امدادی، ۱۴ هزار بی‌خانمان در خیابان‌های شهر لس‌آنجلس شب را صبح می‌کنند.

تویوتای کوچک برقی

تویوتا یک خودروی برقی کوچک برای تردد شهری عرضه کرده که هر شارژ آن برای طی مسافت ۱۵۰ کیلومتر کافی است.

به گزارش مهر، این خودرو که «C+Pod» نام گرفته هم‌اکنون برای خریداران چینی عرضه شده است. C+Pod نخستین بار دسامبر سال گذشته میلادی برای مشتریان شرکتی عرضه شد اما اکنون برای عموم مردم ارائه شده است. تویوتا ادعا می‌کند وسیله نقلیه مذکور با قراردادهای اجاره به شرط تملیک در سراسر ژاپن عرضه می‌شود.

رسول معتمدی در مسابقات جهانی وزنه‌برداری (تاشکند) مدال طلا گرفت/عکس: IWF

کافه میرداماد

گفت‌وگو با رسول معتمدی، قهرمان وزنه‌برداری جهان

تنهایی یک ورزشکار طلایی

طاهره آشیانی
روزنامه‌نگار

این که ما می‌بینیم یک ورزشکار در مسابقه‌ای داخلی یا بین‌المللی برنده می‌شود، روی سکو می‌رود، مدال می‌گیرد و برایش کف می‌زنند و هورا می‌کشند، تصویری کارت‌پستالی است. آنچه اصل است را ندیده‌ایم. روزها، ماه‌ها و سال‌ها تلاش ورزشکار را ندیده‌ایم. چشم‌بستن به همه خوشی‌های روزمره که همه ما از آنها لذت می‌بریم را ندیده‌ایم.تمرین و تمرین و تمرین را ندیده‌ایم و یکراست رفته‌ایم سر مراسم جایزه‌دادن یا کمی قبل‌ترش که مسابقه‌دادن است و ما با هیجان بسیار آن را تماشا می‌کنیم و برای چند دقیقه آدرنالین خونمان اوج می‌گیرد و دوست داریم ورزشکار محبوب‌مان برنده شود، اسم شهر یا پرچم کشورمان بالا برود و ما کیف کنیم. راستش همه اینها برای دل خودمان است، برای شادی که وجودمان را می‌گیرد و برای دقایقی حالمان را خوب می‌کند. قبل مسابقه یا بعد مسابقه از دل آن ورزشکار خبر نداریم که چه می‌کشد که اگر برنده نشود حالش چه می‌شود و آن‌همه زحمتی که کشیده چه می‌شود.حتی اگر برنده شود شرایطش چه می‌شود. او که دلش پر از تب و تاب است و می‌خواهد به مسابقه بعدی هم برسد اما یک ور ذهنش این سوال را هی تکرار می‌کند که آیا می‌تواند در مسابقه بعد هم حضور داشته باشد یا نه. شرایط اجازه می‌دهد یا نه.ما که تماشاچی هستیم، فقط تصاویر کارت‌پستالی و شیک از زندگی و مسابقات و برنده‌شدن‌های یک قهرمان را می‌بینیم اما آنچه واقعیت است از دید ما پنهان است.

مسوولان کجایید دقیقا؟

سراغ رسول معتمدی رفتم جوان ۲۳ ساله اهل شهرستان سده استان اصفهان که چند روز قبل در مسابقات وزنه‌برداری تاشکند مدال طلا گرفت و قهرمان جهان شد.خیلی جوان است، تعداد زیادی از هم‌سن وسالان او دارند زندگی معمولی خود را در کنار خانواده می‌گذرانند و به این فکر می‌کنند که تعطیلات آخر هفته را با پدر و مادر و دوستان چگونه بگذرانند یا دنبال جای نشستن و خوابیدنی می‌گردند که به پریز نزدیک باشد و شارژ باتری گوشی‌شان به راه باشد تا دقیقه‌ای از شبکه‌های اجتماعی و بازی‌های آنلاین غافل نشوند.اما رسول معتمدی این روزها همه فکر و ذکرش این است که هر جور شده خودش را به بازی‌های آسیایی ۲۰۲۲ که در چین برگزار می‌شود، برساند و بعد آن به المپیک ۲۰۲۴ پاریس.او که مدال طلا دارد اما ذهنش درگیر هزار اما و اگر است و این که اگر شرایط جور نشود و نرسد چه؟

معتمدی خیلی جوان است اما تمرین‌ها و نظمی که یک ورزشکار موفق باید داشته باشد تا روی سکو برود و قهرمان شود، پخته‌اش کرده و بسیار عاقل.آنقدر اعتماد به نفس دارد که گلایه نکند اما شرایطش را می‌گوید تا ما و آنهایی که باید بدانند، متوجه شوند که اگر از یک قهرمان حمایت نکنند او نمی‌تواند قهرمان باقی بماند. معتمدی می‌گوید: بعد از مسابقات تاشکند که به شهرم برگشتم هیچ کدام از مسوولان شهر یا استان حتی یک تبریک خشک و خالی به من نگفتند.انگار نه انگار.پدر من کارگر ذوب‌آهن است و خودم دانشجویم.کار ندارم و همه علاقه‌ام این است که قهرمان بمانم و در مسابقات داخلی و جهانی شرکت کنم.اما امکانات تمرین ندارم.من باید بدنم را آماده نگه دارم و مرتب تمرین کنم. قبل از مسابقات تاشکند ۲۵ میلیون وام گرفتم تا بتوانم درست تمرین کنم چون اردوی تمرینی اصلا شرایط خوبی نداشت. الان باید اقساط وام را بدهم اما راستش را بخواهید خیلی سخت است.اگر مسوولان حمایت نکنند طبیعی است که دلسرد شوم و همه چیز را رها کنم. هر چند امیدوارم به این نقطه نرسم.اما در کجای دنیا یکی از جوان‌ترین قهرمانان کشور به حال خود رها می‌شود؟ در مسابقات مختلف با ورزشکاران کشورهای دنیا هم‌صحبت می‌شوم و می‌دانم آنها چه امکاناتی دارند و دولت‌هایشان چگونه از آنها حمایت می‌کنند. من نه کار دارم که حداقل سرکار بروم و پولی دربیاورم، نه خانه‌ای و نه وسیله نقلیه‌ای. یک موتور دارم که در زمستان و تابستان با آن تردد می‌کنم. توقع زیادی هم ندارم اما حداقل مسوولان می‌توانند از یک ورزشکار که با تلاش شخصی قهرمان شده و پرچم کشورش را بالا برده حمایت کنند.

گفتند انتخاب کن؛ ورزش یا کار؟

پدرم کارگر ذوب‌آهن اصفهان است و به واسطه او رفتم که شاید بتوانم استخدام شوم.۴۰ روز رفتم و آمدم. بعد از آن مدیرش گفت که یا باید ورزش را انتخاب کنی یا کار در ذوب‌آهن را ! اما من که همه عمرم را گذاشته‌ام تا به جایی برسم که اکنون هستم و برای ادامه قهرمانی‌هایم برنامه و آرزو زیاد دارم چطور باید قبول کنم که ورزش را کنار بگذارم. این را هم بگویم که بعد از مدتی رفتم و گفتم قبول به من کار بدهید اما جایی را به من پیشنهاد دادند که دو ساعت از محل سکونتم فاصله دارد. یعنی صبح باید دو ساعت بروم و شب دو ساعت برگردم بدون وسیله نقلیه و باز هم نتوانستم قبول کنم. در کجای دنیا این‌جوری از ورزشکاری که مدال طلا گرفته حمایت می‌کنند؟! بعد توقع دارند که جوان‌ها به سمت ورزش بروند. مگر می‌شود با دست خالی از همه مشکلات عبور کرد؟ تا همین‌جا هم با حمایت خانواده و همت خودم جلو آمده‌ام.راستش نمی‌توانم چشم به روی ورزش و مسابقات ببندم و الان دقیقا مانده‌ام که چه کنم.هم خودم هم مربی‌ام آقای معینی خیلی تلاش کردیم که حامی مالی پیدا کنیم اما نشد.استان اصفهان، استان ضعیفی نیست، کلی چرخش مالی دارد و مسوولان استان نمی‌توانند بگویند که استان پول ندارد اما حاضر نیستند برای ورزشکار استان هزینه کرده یا از او حمایت کنند.

آن سرود حاشیه‌ساز

همه آنهایی که ورزشکار حرفه‌ای هستند، می‌دانند که زندگی یک ورزشکار برنامه‌ریزی خاص خود را دارد که با زندگی معمولی دیگران کاملا متفاوت است.من از سال ۹۱ و ۱۴سالگی وزنه‌برداری را شروع کرده و همیشه تلاش کردم که طبق برنامه‌ریزی مربی‌ام تمرین کنم.هدفگذاری داشتم و باید قدم به قدم درست پیش می‌رفتم که تا الان خوشبختانه آمده‌ام. لحظه بسیار زیبایی است که مدال می‌گیری، روی سکو می‌روی، پرچم کشورت بالا می‌رود و سرود کشورت پخش می‌شود. غرور زیبایی است، لحظه‌ای است که هموطنانت خوشحال می‌شوند و من این خوشحالی ملی را دوست دارم. در مسابقات تاشکند که روی سکو رفتم، پخش سرود که شروع شد، متوجه شدم که سرود اشتباهی پخش می‌شود.اشاره کردم که سرود را متوقف کنند. باید سرود ملی کشورم پخش می‌شد که شد. ما قبل از مسابقه، سرود ملی را به مسوولان سالن داده بودیم اما نمی‌دانم چه اتفاقی افتاد که سرود برای چند لحظه اشتباهی پخش شد اما آنقدر حواسم جمع بود که جلوی آن را بگیرم و نگذارم پیروزی‌ام به حاشیه برود. روی پرچم و سرود ملی کشورم غیرت دارم و آن را حفظ می‌کنم.

مقطع حساس کنونی

کتابخانه جدید و کتاب‌های قدیم

امید مهدی‌نژاد
طنزنویس

مسؤولان کتابخانه مرکزی چسترویل در انگلستان که از بزرگ‌ترین کتابخانه‌های جهان با بیش از چند میلیون کتاب بود اما ساختمانی قدیمی داشت، پس از رایزنی‌های بسیار موفق شدند قطعه زمین بزرگی را که در یکی از نقاط مرغوب شهر قرار داشت و در اختیار ستاد اجرایی بود، از اختیار آنجا خارج کنند و در اختیار خود بگیرند و با دریافت بودجه مکفی از وزارت فرهنگ و هنر، ساختمان بزرگ و مجهزی را در آن بسازند. مسؤولان کتابخانه پس از اتمام ساخت ساختمان با این مشکل مواجه شدند که چگونه کتاب‌ها را از ساختمان قدیمی به ساختمان جدید منتقل کنند. آنها جلسات بسیاری را با مشاوران مربوط برگزار کردند اما به نتیجه خاصی نرسیدند تا این‌که یکی از کارمندان کتابخانه طی پیغامی به مسؤولان کتابخانه اعلام کرد که راه‌حل ساده و بدون هزینه‌ای برای این کار دارد. مسؤولان کتابخانه وی را احضار کردند تا پیشنهاد وی را بشنوند. کارمند کتابخانه گفت: طی چند آگهی به همه اعلام می‌کنیم که می‌توانند بدون عضو شدن در کتابخانه و پرداخت حق عضویت، کتاب‌های کتابخانه را امانت بگیرند و برای بازگرداندن کتاب‌ها باید به ساختمان جدید کتابخانه مراجعه کنند. این پیشنهاد خلاقانه و بدون هزینه مورد توجه مسؤولان کتابخانه قرار گرفت و آنها که از این راهکار بی‌هزینه کف کرده بودند، این آگهی را در رسانه‌های جمعی اعلام کردند و مردم همه کتاب‌های کتابخانه را به امانت بردند. هفته بعد وقتی مردم کتاب‌ها را در ساختمان جدید پس دادند، مسؤولان کتابخانه متوجه شدند ۲۰ درصد از کتاب‌ها خراب شده و ۲۰ درصد دیگر از کتاب‌ها نیز اساسا به کتابخانه بازگردانده نشده است. آنها کارمند کتابخانه را احضار کردند و از وی پرسیدند: حالا باید چه کنیم؟ کارمند گفت: زندگی یک اتاق با دو پنجره نیست. زندگی هزاران پنجره دارد و اگر روزی از پنجره ناامیدی به زندگی نگاه کنید شاید احساس کنید می‌خواهید گریه کنید اما اگر روزی از پنجره امید به زندگی نگاه کنید احساس می‌کنید می‌توانید دنیا را تغییر دهید. مسؤولان کتابخانه گفتند: که چی؟ کارمند کتابخانه گفت: عمر کوتاه است. فرصت نگاه کردن از تمامی پنجره‌های زندگی را نداریم. بیایید تصمیم بگیریم فقط از یک پنجره به زندگی نگاه کنیم؛ پنجره عشق. مسؤولان کتابخانه که دیدند کارمند کتابخانه واقعا اسکل است، وی را مرخص کردند و از آنجا که هنوز کلی کتاب در اختیار داشتند، صدای قضیه را هم درنیاوردند.

مرور و عبور با جام جم ۲۰ سال قبل

توافق ایران و عراق برای تفحص مفقودان جنگ

فرمانده کمیته جست‌وجوی مفقودین ستاد فرماندهی کل قوا از توافق جدید نمایندگان دو کشور ایران و عراق در زمینه ادامه عملیات جست‌وجو و تفحص مفقودان جنگ در خاک یکدیگر خبر داد. سردار سیدمیرفیصل باقرزاده به ایرنا گفت: هیات نمایندگی کشورمان سه‌شنبه در مذاکرات خود با طرف عراقی در شهر بصره در زمینه مبادله و انتقال پیکرهای اسرای ایرانی که در خاک عراق به شهادت رسیدند و همچنین انتقال جنازه اسرای عراقی که در ایران فوت کرده‌اند به توافق رسیدند. وی ادامه عملیات کاوش پیکر شهدا در مناطق شلمچه، زید، العماره، مندلی، جزیره مجنون و اضافه شدن دو دستگاه بیل مکانیکی به جست‌وجوگران ایرانی در منطقه العماره عراق را از دیگر موارد توافق دو کشور ذکر کرد. (صفحه ۲)

دیدار رئیس جمهور ارمنستان با رهبر معظم انقلاب

رهبر معظم انقلاب روز گذشته در دیدار کوچاریان، رئیس جمهور ارمنستان با ایشان ضمن اشاره به پیوندهای تاریخی و روابط دوستانه دو کشور، تحکیم و روابط دوستانه دو کشور را موجب ثبات و آرامش بیشتر در منطقه قفقاز دانستند. ایشان تاکید کردند: جمهوری اسلامی ایران معتقد به استقلال سیاسی و اقتصادی منطقه قفقاز و مداخله نکردن قدرت‌های فرامنطقه‌ای در امور این منطقه است. قدرت‌های فرامنطقه‌ای ازجمله آمریکا بدون درنظر گرفتن منافع کشورهای منطقه به‌دنبال منافع خود هستند. مناقشات منطقه قفقاز از طریق کشورهای منطقه و بدون دخالت بیگانگان قابل حل است. (صفحه ۲)

«کاپلو» مربی سال شد

براساس یک نظرخواهی که از کارشناسان فوتبال اروپا صورت گرفت، فابیو کاپلو، سرمربی تیم آ.اس.رم با ۱۲۰ رای به‌عنوان بهترین مربی سال ۲۰۰۱ اروپا شناخته شد. لوئیچی دل‌نری، مربی تیم کیه‌وو با ۸۳ رای دوم شد و ژرار هولیه، مربی فرانسوی تیم لیورپول با ۳۵ رای عنوان سومین مربی برتر سال را به‌دست آورد. اوتمار هیتزفیلد، مربی تیم بایرن‌مونیخ با ۳۴ رای در ردیف چهارم قرار گرفت. (صفحه ۱۵)

از سال آینده دو تا پایان برنامه سوم توسعه

ستاری‌فر: یارانه‌های غیرمستقیم را حذف می‌کنیم

اعتراضات تازه اعضای باند «کرکس‌های سیاه»

کروبی: آرامش از بین نرود

در دیدار با رئیس جمهور ارمنستان رهبر انقلاب: قدرت‌های فرامنطقه‌ای در قفقاز دخالت نکنند

امسال؛ سالی بد برای بخشی از تولید سینمای ایران

نقطه‌عطف ویل اسمیت

ویل اسمیت می‌گوید: بازی در نقش محمدعلی کلی در فیلم «علی» نقطه‌عطفی در کارنامه بازیگری اوست. او می‌گوید: تصور می‌کنم ۳۳ سالگی در قله کارم قرار گیرم و به‌نظرم علی فیلمی است که مرا در اوج قله کاری‌ام قرار می‌دهد. اسمیت برای بازی در این درام ورزشی ۱۲ ماه تمرینات سخت ورزشی انجام داد. او می‌گوید: کار روی این فیلم هفت سال قبل شروع شده. فیلم علی که در تعطیلات کریسمس روی پرده می‌رود توسط مایکل مان ساخته شده است و تحلیلگران پیش‌بینی کرده‌اند اسمیت برای بازی در این نقش می‌تواند جایزه اسکار را از آن خود کند. (صفحه ۳)

نوارهای ویدئو کنار گذاشته می‌شود

به‌زودی «دی‌وی‌دی» جایگزین نوارهای ویدئویی می‌شود. طی چند ماه گذشته میزان فروش سی‌دی و دی‌وی‌دی در بازارهای جهانی زیاد شده و پیش‌بینی می‌شود در سال جدید میلادی فروش این ابزار جدید بسیار زیاد شود. تحلیلگران می‌گویند سال ۲۰۰۱ نقطه‌عطفی برای دستگاه‌های دی‌وی‌دی بوده و کریسمس امسال مردم بیش از هرچیز به یکدیگر دی‌وی‌دی هدیه خواهند داد. در سال ۲۰۰۱ تعداد ۱۳ میلیون دستگاه دی‌وی‌دی به فروش رسیده است. (صفحه ۱۶)